



پیش گفتار:

منابع انسانی که پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد در مقابل سرمایه و منابع طبیعی که عوامل تبعی تولید قلمداد می‌گردند، عوامل فعالی محسوب می‌شوند که سرمایه‌ها را متراکم می‌نمایند.^(۱) از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را می‌سازند و توسعه ملی را به جلو می‌برند. نکته قابل توجه این که منابع انسانی زمانی بهره‌ور و کارا خواهند شد که به سرمایه انسانی تبدیل شوند و همین سرمایه انسانی که توسعه جوامع را تضمین می‌نماید، باید تحت تأثیر مستقیم آموزش قرار گیرد؛ چرا که امروزه سرمایه‌گذاری برای آموزش، نقش قابل ملاحظه‌ای در فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی جوامع دارد، به همین دلیل در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، بهای اقتصادی آموزش را از ردیف هزینه، خارج و به نوعی سرمایه‌گذاری تبدیل کرده‌اند، هر چند که کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته هنوز موفق به تغییر و تحول اساسی در این رابطه نشده‌اند، اما به

قول یکی از دانشمندان، (Fredrick Harbison) فردریک هاربیسون می‌توان ادعا نمود که اگر کشوری نتواند مهارت‌ها و دانش مردم را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند، قادر نیست، هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد. از سوی دیگر استقلال و خودکفایی واقعی هر کشوری که به نسبت توانایی‌های آن در نفی وابستگی و اثبات بی‌نیازی از ممالک دیگر سنجیده می‌شود، ارتباط مستقیمی با تربیت نیروی انسانی متعهد و ماهر و متخصص آن کشور دارد، برخلاف سرمایه‌های مادی از جمله ماشین‌آلات، دستگاه‌ها و ساختمانها که در طول زمان مستهلک شده و از بین می‌روند. به همین دلیل اطلاق سرمایه به آنها محدود به مدت کوتاهی است که عمر مفید آن محسوب می‌شود. نیروی انسانی آموزش دیده و متعهد، در عین حال که اساسی‌ترین عامل ایجاد خودکفایی است، سرمایه‌ای است که عمر بیشتری داشته و نه تنها در طول زمان مستهلک نمی‌شود بلکه بارورتر شده و اطلاعات و کاردانی خود را در صورت وجود سیستم‌های صحیح و زمینه‌سازی

لازم در سطح جامعه، بخصوص در عرصه‌های تولید، به افراد دیگر منتقل کرده است و در واقع سرمایه‌ساز می‌گردد.

با عنایت به نکات فوق الذکر و تجارب ارزنده و قابل توجه جهادسازندگی در آموزش و تربیت نیروهای مورد نیاز عرصه‌های مختلف تولیدی برآن شدیم که ویژگیها و جایگاه آموزشهای ترویجی و فنی حرفه‌ای مربوط به تولیدکنندگان و بهره‌برداران مرتبط با مأموریت‌های جهادسازندگی را به صورت مجموعه‌ای ارائه نماییم تا ضمن معرفی پتانسیل‌های موجود در این نهاد مقدس جهت بهره‌برداری در امر آموزش، نقطه نظرات خود را که حاصل حداقل پانزده سال فعالیت در این بخش است را تدوین و در اختیار علاقمندان محترم قرار دهیم.

در همین راستا بر خود لازم می‌دانیم که از کلیه کسانی که از بدو تأسیس جهاد تاکنون به هر نحو ممکن موجب تقویت آموزشهای فنی - حرفه‌ای جهاد شده‌اند تشکر و قدردانی و موفقیت روزافزون آنان را از خداوند قادر متان مسئلت نماییم.

ویژگیها و جایگاه آموزش روستاییان

در جهادسازندگی

مقدمه

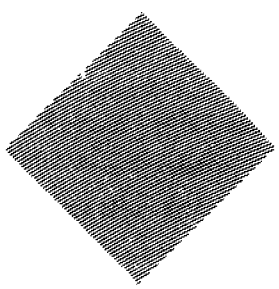
آموزشهای مورد نیاز در بخشهای مختلف تولیدی در کنار سایر آموزشها، یکی از فعالیتهایی است که از گذشته در جوامع بشری وجود داشته و برحسب نیاز جامعه تغییر شکل داده است. سالهای قبل صنعتگران و زارعین و سایر تولیدکنندگان، در طول عمر حرفه‌ای و فعالیت خود محدود شاگردانی را تربیت یا تجربه‌های خود را به دیگران منتقل می‌کردند که بعدها جانشین آنها می‌شدند. یا بر حسب ضرورت همزمان با استادکاران خویش، فعالیت مستقلی را شروع کرده، نیاز بازار کار و نیروی ماهر در بخش را تأمین می‌کردند. با افزایش جمعیت و توسعه

شهرنشینی، ضرورت تولید و تأمین مایحتاج مردم از یک سو و تکامل صنایع قدیم، تحول در شیوه‌های تولیدی و تقسیم آن به شاخه‌های متعدد و ظهور صنایع جدید و فراوانی وسایل تولید از سوی دیگر، امروزه دنیای صنعت، کشاورزی و سایر بخشها مجموعه عظیمی از فن و دانش و هنر، با روابط پیچیده و بغرنجی شده است که تنها تهیه فهرست شاخه‌ها و رشته‌ها و مهارتهای مختلف آن، احتیاج به متخصصان با تحصیلات عالی و سالها تجربه عملی دارد. بنابراین با توجه به این توسعه روزافزون، ضرورت تقویت آموزشهای فنی - حرفه‌ای که عامل

محسن مطیعی

مدیرکل دفتر آموزش روستاییان

معاونت ترویج و مشارکت مردمی



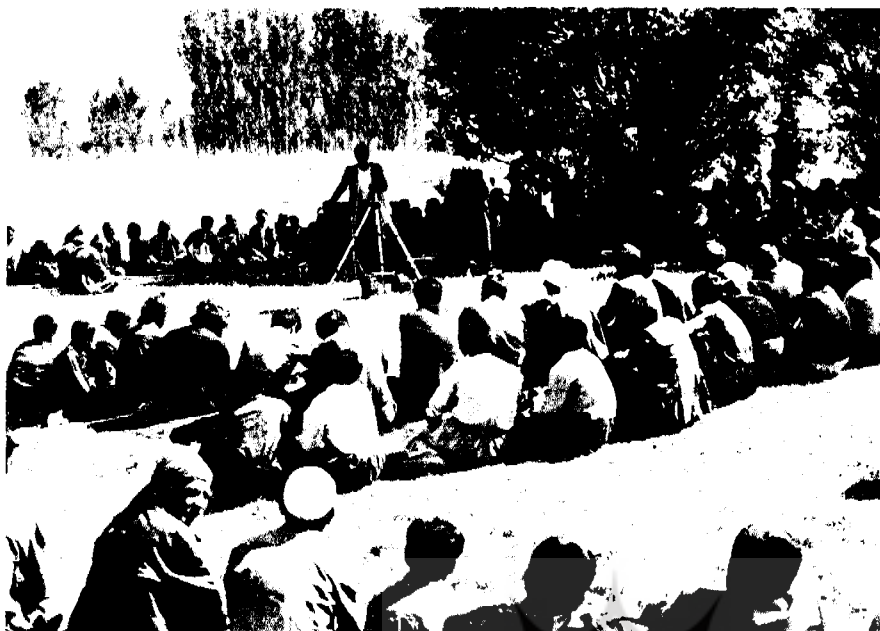
ربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص برای تأمین آینده‌ای روشن و مستقل از هر گونه وابستگی است، اجتناب ناپذیر است.

نکته‌ای را که نباید از نظر دور داشت این است که متأسفانه طراحی نظام‌های آموزشی رایج و متداول در دنیا به گونه‌ای است که در حقیقت باعث علاقه‌مندی هرچه بیشتر مردم به زندگی در شهرها می‌شود و این شهرگرایی و عدم توجه به روستا و مراکز تولیدی با اهداف توسعه منافات دارد، چرا که توسعه فرآیندی تفکیک ناپذیر است و تا زمانی که مردم در تغییر کیفیت زندگی خود دخالت نداشته باشند و آنچه که در مناطق روستایی به آنها ارائه می‌شود، نتواند مانع از مهاجرتشان شود، هرگز در روستا نخواهند ماند.

بنابراین رهیافتهای آموزش کلی و رسمی صرف، بندرت قادر به انجام چنین مهمی هستند. به عبارت دیگر، هنگامی که فرآیند تحول در مناطق روستایی آغاز می‌شود، نظام آموزشی به ضرورت باید با شرایط متحول، سازگاری و مطابقت داشته باشد. به همین دلیل مردم باید به منظور چگونگی استفاده صحیح از منابع طبیعی، مجدداً تحت آموزش کاملاً متفاوت از ارزشهای موجود در نظام آموزشی پیشین قرار گیرند. پس تغییر برنامه و فراهم نمودن ملزومات آن و از جمله برنامه‌ریزی جدید، بخصوص برای آموزش جمعیتی انبوه، نیازمند نظام برنامه‌ریزی اجرایی جداگانه‌ای است. آموزشهای فنی - حرفه‌ای به عنوان مکمل آموزشهای ترویجی، نقش بسزایی در گسترش آموزش همگانی دارد. به این دلیل هماهنگی و همگنی در برنامه‌ریزی و اجرای این آموزش بشدت احساس می‌شود.

در این ارتباط توصیه یوسکو را مرور می‌کنیم که درباره آموزش فنی - حرفه‌ای اینچنین یادآور می‌شود: "آموزشهای فنی - حرفه‌ای، باید بخش مکمل نظام آموزش همه جانبه باشد و به این سبب باید به محتوای فرهنگی آن توجه کافی گردد. آموزش فنی

- حرفه‌ای باید از تربیت افراد برای شغل ویژه‌ای که با فراهم کردن مهارت و دانش لازم برای آنها انجام می‌دهد یا فراتر گذارد و همراه با آموزش عمومی، شخصیت و منش افراد را نیز پرورش دهد و توانایی درک، دآوری، اظهار وجود و سازگاری با محیطهای



این نوع آموزشها، آشنایی نسبتاً جامعی با این فعالیت در جهاد ایجاد شود.

گوناگون را در آن تقویت کند.^(۳)

آموزشهای ترویجی و فنی - حرفه‌ای که در تمامی بخشها بخصوص در بخش کشاورزی براساس نیاز بخشهای اقتصادی طراحی و ارائه می‌شوند، به دنبال تحقق هدف والایی است که چیزی جز افزایش تواناییهای دانش، مهارت، قدرت درک و تجزیه و تحلیل شاغلین در جهت انجام مطلوبتر کار و بهره‌وری بالاتر از منابع تولیدی خود نخواهد بود، از سوی دیگر این نوع آموزشها در پی تعلیم و تربیت نیروهای فنی ماهری هستند که باید به مرور جایگزین نیروهای شاغل در بخش شوند. در هر حال افراد پس از کسب مهارت و تخصص و ارتقاء کیفی دانش فنی، قادر خواهند بود، فرصتهای شغلی مناسبی کسب کنند یا در نهایت فرصت شغلی را خود بخود بوجود آورند. در واقع خصیصه این آموزشها، نوعی پرورش کار آفرین است که افراد بر مبنای قابلیت‌ها و استعدادهای فردی، قادر می‌شوند کار خلاق و بهره‌ور را سامان دهند.

آنچه که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد، نیم‌نگاهی است به لزوم یکپارچگی آموزشهای ترویجی و فنی - حرفه‌ای رسمی و غیررسمی تولیدکنندگان و بهره‌برداران و ضرورت عنایت خاص برنامه‌ریزان و سیاستگذاران است که سعی می‌شود، با ذکر ویژگیهای

■ ضرورت پیوند ترویج، آموزش و توسعه

منظور از ترویج، عرضه اطلاعات و تکنولوژیهای پیشرفته و مناسب، به تولیدکنندگان و بهره‌برداران، بطور اخص و جامعه روستایی، عشایری بطور اعم است. از این طریق، ارزشهای نو در جریان زندگی روستاییان و سایر تولیدکنندگان و بهره‌برداران وارد شده، به بهبود و افزایش مهارتهای فنی آنان می‌انجامد تا در فرآیند توسعه به عنوان عنصری فعال، ایفای نقش نمایند، زیربنای چنین نقشی را پذیرش فرهنگ نوآوری تشکیل می‌دهد.

در این فرآیند، کارگزاران ترویج فقط مسؤولیت انتقال یافته‌های مناسب را به عهده ندارند، بلکه مسؤولیت خطیرتری در آموزش و دگرگونی جامعه دارند، این آموزشها با جهت‌گیری ایجاد مهارت و حرفه آموزی از یک سو و نیز افزایش مهارت از سوی دیگر، دنبال می‌شوند که در این حرکت قبل از انتقال هرگونه ایده جدید، ترویج ملزم به شناخت و تحلیل وضع موجود، شناخت مخاطبین خود، توجه مخاطبین برای آشنایی با آثار ورود تکنولوژی جدید و نیز

مطالعه زمینه‌های موجود می‌باشد. بدین سان، زمینه سازی لازم برای انتقال دانش جدید انجام یافته و از طریق آموزش به یادگیرندگان مورد نظر منتقل می‌شود و در مراحل بعد از پذیرش نیز، بررسی لازم به منظور ارزشیابی نتایج عملکرد ورود پدیده جدید و پذیرش دانش نو، صورت می‌گیرد و آموزشهای مکمل مورد نیاز از این طریق شناسایی خواهد شد. بنابراین اقداماتی از قبیل آگاه‌سازی بهره‌گیران از تکنولوژی جدید، تهیه وسایل و نهادهای مورد نیاز آن، هدایت تولیدکنندگان به جلب حمایت خدمات تولیدی و آموزش مهارت‌های مورد نیاز مدیریت و رهبری فعالیتهای فنی و اجتماعی و... ضرورت می‌یابد و در حیطه ترویج قرار می‌گیرد.

از طریق پیوند ترویج با مطالعات، مسایل جانبی کار برد نوآوریها و نیز مسایل نوظهور در فعالیتهای مربوط به توسعه رخ می‌نماید و کارگزاران ترویج با استفاده از نتایج این مطالعات، حرکت پویای ترویج را استمرار می‌بخشند. به عبارتی ترویج بدون استفاده از چنین مطالعات و منابع علمی، قادر به دگرگونی و تغییر در روشها و افکار مخاطبین خود نخواهد شد.

تشکیلات ترویج در سطوح مختلف، از طریق مراکز اسناد و مدارک علمی و مراکز اطلاعاتی خود یا مراکز برون سازمانی (از جمله مراکز تحقیقاتی و ...) پیوند خورده، اطلاعات بهنگام را تهیه و در اختیار عوامل خود در عرصه تولید قرار می‌دهد و در عین حال با تدارک اطلاعات لازم برای آن مراکز، در نشر اطلاعات نیز اقدام می‌نماید. بنابر این می‌توان ادعا نمود که پیوند منسجم ترویج با منابع علمی و مراکز اطلاعاتی و تحقیقاتی، علاوه بر بقای علمی و فرهنگی عوامل وابسته، وسیله ای برای تشویق و ترغیب مروجین به "ساده سازی" و "طبع و نشر اطلاعات مفید و موثر در جامعه است. زیرا در حالی که تلاش برای دستیابی به اطلاعات نوین از جمله وظایف مقدماتی ترویج است، وظیفه مکمل آن تبدیل این اطلاعات به "تشریحات راهنما" ویا "جزوات عملی" برای مخاطبین است که توسط کارشناسان متخصص ترویج و مروجین صورت می‌گیرد و در نهایت آخرین نمونه‌های مناسب و موثر و مفید از اطلاعات و آگاهیهای به هنگام توسط مروجین در

نقشهای روشنگری، تحولگری و آموزشگری بروز نموده، در اختیار گروههای مورد نظر قرار گیرد. از سوی دیگر پیوند منسجم ترویج با آموزش و نظام آموزشی در زمینه‌های مربوط، نقش تکمیل کننده پیوند ترویج و منابع علمی و اطلاعاتی را ایفاء می‌نماید، چرا که وجود پیوندی سازمان یافته بین ترویج و نظام آموزشی مبادله منظم اطلاعات بین این دو در مرحله اول موجب خواهد شد که برنامه‌ریزان آموزشی از نیازهای آموزشی مخاطبین مطلع شوند و در نتیجه مربیان و آموزشگران و نیز متصدیان برنامه‌ریزی آموزشی همواره در جریان تحولات اجتماعی قرار گیرند و به این سبب برنامه‌های آموزشی خود را منطبق با نیازهای بخشهای مختلف تولیدی و در حالت کلی با نیازهای جامعه تهیه و اجرا نمایند و در مرحله دوم زمینه‌های لازم مشارکت کارگزاران، آموزش تولیدکنندگان و بهره‌برداران بخشهای مختلف تولیدی در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی مستمر مروجین مردمی و نیز آموزشهای تکمیلی و تخصصی تولیدکنندگان و بهره‌برداران را فراهم می‌نماید که این خود به عنوان نقش مهم آموزش در فرآیند ترویج و مشارکت مردمی در تحقق اهداف توسعه روستایی محسوب می‌شود. با این وصف وجود چنین پیوندی کارگزاران و مدیران آموزشی را به مثابه یک شریک مسؤول متعهد با نهاد ترویجی و مشارکت مردمی معرفی می‌کند و این مطلوبترین وجه ارتباطی بین دونهادهای آموزش رسمی و غیررسمی در فرآیند ترویج و توسعه در درون یک کشور است.

ذکر یک نکته اساسی را نیز ضروری می‌دانیم که پیوند ترویج با نهادهای آموزشی، لزوماً نمی‌تواند یک طرفه و باهدف بهره‌مندی ترویج از خدمات آموزشی آن نهادها باشد، بلکه در مقابل مروجین و کارشناسان مرتبط با این مؤسسات نیز همواره اطلاعات مربوط به بروز پدیده‌های نوظهور را به مؤسسات آموزشی منتقل کرده، از کارشناسان و مربیان و آموزشگران زیربط، کسب نظر می‌کنند. علاوه براین با انتقال اخبار مربوط به ترویج و آموزش توسط مروجین به سازمان ترویجی، مابه موضوعات مطالعاتی مورد نیاز بدست آمده، با بررسیهای متناسب و تطبیق با نیازهای بخش به کاربردی نمودن نتایج مطالعه کمک فراوانی

می‌نماید.

ترویج به لحاظ آموزش، پیوسته و وابسته به مردم است و اصالت و اشتها آن ناشی از همین پیوستگی و وابستگی می‌باشد، لذا هرگاه که ترویج از مردم و نهادهای مردمی فاصله گرفته باشد نمی‌توان از آن تلقی یک مجموعه کامل را داشت^(۴). پس این یک ضرورت است که سازمان ترویجی و آموزشی، برای استحکام موقعیت خدماتی خود در روستا، باید با تشکلهای مردمی روستایی برای مبادله اطلاعات، مشاوره و همکاری در ارتباط مستقیم و مستمر باشد. اجتماعات مساجد، تشکلهای مردمی در قالب گروههای مذهبی، تعاونیها، اتحادیه‌های اقتصادی، انجمنها و شوراهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و دیگر نهادهایی از این قبیل، در سطوح ملی و محلی، از جمله تشکلهای و نهادهایی هستند که ترویج باید به نسبت ارتباط موضوع و حیطه فعالیتهای مربوط، با آنها در ارتباط مستقیم باشد تا زمینه‌های همکاری و هماهنگی لازم با برنامه‌های ترویج و توسعه روستایی بوجود آید.

دریک کلام تبیین دقیق جایگاه ترویج و آموزش، اولین گام حرکت به سوی توسعه‌ای همه جانبه است. با شناخت ضرورت پیوند ترویج و آموزش، پیوند منطقی بین مطالعات و ارزشیابی و نتایج آنها، رابطه سازمانها و نهادهای ترویجی با مردم و تشکلهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اداری و نیز شناخت مخاطبین و نیازهای آموزشی و ترویجی آنها، استفاده از شبکه گسترده مروجین و پایگاههای ترویجی و ... دسترسی به توسعه امری ممکن و مسلم خواهد بود زیرا:

۱- افزایش تولیدات کشاورزی به عنوان یکی از اهداف توسعه، از طریق آموزشهای متناسب تولیدکنندگان و بهره‌برداران محقق می‌گردد، حضور گسترده مروجین دام و منابع طبیعی و آموزشگران و مربیان که خود کارشناسان بخش هستند در سراسر کشور و اماکنی که برای دسترسی به خانه‌های ترویج و مراکز آموزش روستایی دارند، مبادله و انتقال اطلاعات را آسان ساخته، به ارتقاء دانش تولیدکنندگان می‌انجامد.

۲- جامعه تولیدکننده و بهره‌بردار، با استفاده از

مواد آموزشی و ترویجی فراگرفته قادر خواهد بود که استفاده بهینه‌تری را از منابع کمیاب مثل آب، خاک، جنگل، ... داشته باشد.

۳- ایجاد فرصت‌های شغلی جدید از طریق تربیت نیروی انسانی ماهر، جوان و جایگزینی با نیروهای با سنین بالا در بخش و مجهز ساختن آنان به علوم و فنون و مهارت‌های تولید مورد نیاز جهت رقابت در عرصه‌های تولیدی در دنیای کنونی، به عنوان یکی از اهداف توسعه روستایی از جمله کارکردهای آموزش و ترویج است که غفلت از آن، بحران‌ساز است، چرا که نمای سنی نیروهای موجود در بخش حکایت از آن دارد که هرچه سریعتر باید به این مهم جامه عمل پوشاند.

۴- ارائه آموزش‌های متناسب و مورد نیاز تولیدکنندگان و بهره‌برداران بخش‌های مختلف تولیدی، بویژه در بخش کشاورزی و برنامه‌ریزی جامع به منظور انتقال درست و به موقع سرمایه‌های تولیدی به نیروهای تربیت شده ماهر جوان، تأثیر فوق‌العاده‌ای در بهبود کیفیت زندگی مردم خواهد داشت.

با عنایت به شاخص‌های مورد اشاره که از جمله اهداف مهم توسعه روستایی نیز به شمار می‌روند، در نظر داشتن برنامه‌ریزی جامع ترویج و آموزش، اجتناب ناپذیر می‌نماید و با چنین رویکردی است که برنامه ریزی آموزش‌های متناسب با شرایط محیطی و زندگی روستاییان انجام گرفته و باز خورد آنها به اصلاح برنامه‌های توسعه همه جانبه می‌انجامد.

■ سابقه موضوع در جهاد

پیرو حکم تاریخی امام امت (ره)، در ۲۷ خرداد سال ۱۳۵۸، مبنی بر تشکیل نهاد مقدس جهاد سازندگی و آغاز فعالیت گسترده جوانان انقلابی در دو بعد عظیم عمرانی و فرهنگی در روستاها و مناطق عشایری و حرکت عظیمی که در طی مدت کوتاهی ایجاد شد، مأموریت آموزش و ترویج روستاییان و تولیدکنندگان و بهره‌برداران در سال ۱۳۶۳ جایگزین فعالیت فرهنگی جهاد گردید. به عبارتی از آن زمان به طور رسمی جهادسازندگی فعالیت گسترده خود را در این زمینه آغاز نمود و هدف، پوشش دادن به آن دسته از اهداف والایی بود که عدم توجه به آن جهاد را از نهادی که مورد نظر بنیانگذار اصلی آن بود خارج و در

ردیف دستگاه‌های سنتی اداری قرار می‌داد. با گذشت زمان و قانونمند شدن وظایف مختلف جهاد و تشکیل معاونت‌های متناسب با مأموریت‌های اصلی جهاد کلیه وظایف مربوط به آموزش و ترویج تولیدکنندگان و بهره‌برداران و سازماندهی آنان در قالب معاونت ترویج و مشارکت مردمی فعلی طراحی و صراحتاً موضوعه گسترش فرهنگ دانش عمومی و برنامه‌ریزی و اجرای آموزش‌های فنی - حرفه‌ای مورد نیاز روستاها و بخش‌های مربوط زمینه‌سازی مشارکت مردم در توسعه روستایی، در چارچوب مأموریت‌های محوله به جهاد، در یک جا دیده شد که این خود نیز نشان دهنده طرز تفکر طراحان تشکیلاتی و مسؤولین جهاد مبنی بر یکپارچگی موضوع ترویج و آموزش و مشارکت مربوط به بخش می‌باشد در ذیل اهم وظایف معاونت ترویج و مشارکت مردمی را مرور می‌کنیم که مؤید بر موارد فوق الذکر است.

۱- تعیین سیاست‌های کلی ترویجی و مشارکتی وزارت جهاد سازندگی با همکاری و نظرخواهی از بخش‌های تخصصی مربوط به آن، در چارچوب مأموریت‌های جهاد.

۲- تنظیم و ارائه الگوها، رهیافتها، استانداردها و روش‌های ترویجی و مشارکتی، در چارچوب مأموریت‌های جهاد و اتخاذ شیوه‌های مناسب در جهت تحقق آنها.

۳- برنامه‌ریزی در جهت اجرای کلیه طرح‌های ترویجی و مشارکتی وزارت جهادسازندگی با هماهنگی بخش‌های تخصصی ذیربط.

۴- برنامه‌ریزی در جهت اجرای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مورد نیاز روستاها و بخش‌های مربوط به جهاد، در چارچوب وظایف محوله به جهاد.

۵- سازماندهی و ایجاد تشکلهای و نهادهای مشارکتی به منظور تأمین مشارکت مردم در چارچوب مأموریت‌های محوله به جهاد.

۶- تنظیم خط مشی و برنامه‌ریزی به منظور کار جمعی و تعاونی در امر تولید، توزیع و خدمات مربوط به تولید، در چارچوب مأموریت‌های جهاد.

۷- بررسی و تدوین الگوهای مناسب بهره‌وری در تولید روستایی و مأموریت‌های جهاد و ارائه به مراجع ذیربط، جهت تصمیم‌گیری و اجرا.

۸- همکاری و اتخاذ تدابیر لازم به منظور تقویت مدیریت روستا در جهت جلب مشارکت سازمان یافته مردم در امر توسعه.

۹- انجام مطالعات و بررسی اثرات اجتماعی، اقتصادی پروژه‌های جهاد در مناطق روستایی و عشایری.

۱۰- مطالعه و بررسی و نشر موضوعات اجتماعی در چارچوب وظایف معاونت.

۱۱- تنظیم خط مشی و برنامه‌ریزی جهت بسیج و به کارگیری امکانات و مشارکت نیروهای مردمی در اجرای برنامه‌های عمران، توسعه روستایی و احیاء منابع طبیعی.

۱۲- گسترش فرهنگ و دانش عمومی در سطح جامعه در چارچوب مأموریت‌های جهاد.

۱۳- اقدام در جهت تشکیل کمیسیونها و هسته‌های کارشناسی ترویجی و مشارکتی با همکاری بخش‌های ذیربط در جهادسازندگی.

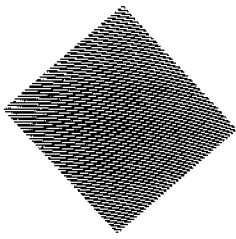
۱۴- انجام و پیگیری سایر وظایف محوله ارجاعی از سوی مقام وزارت.

در همین راستا وزیر محترم جهادسازندگی در سال ۱۳۷۱ موضوع لزوم هماهنگی کامل فعالیت‌های مختلف آموزشی، مشارکتی و ترویجی را با عنایت به یکپارچه نمودن آنها، ابلاغ نمودند و هم اکنون کلیه فعالیت‌های مربوط به این مأموریت جهاد، در قالب کمیسیون‌های هماهنگی معاونت ترویج و مشارکت مردمی با بخش‌های مختلف جهاد هماهنگ و حرکت بزرگی آغاز شده است و امروز شاهد بهار نشستن محصول این هماهنگی‌ها هستیم که بحول و قوه الهی و در سایه وحدت و یکدلی و تلاش مستمر کلیه دست‌اندرکاران در سطح کشور، روز به روز گسترش یافته، قوام آن افزوده می‌گردد.

در ذیل، به جهت رعایت اختصار و مرتبط بودن موضوع صرفاً به حجم عملیات آموزش‌های ترویجی و فنی حرفه‌ای رسمی و غیررسمی اجرا شده سال ۱۳۷۳ جهاد، اشاره می‌شود.

۱- ارائه آموزش‌های ترویجی در زمینه‌های دام و طیور و منابع طبیعی برای ۴۵۸۲۴۶ نفر - روز.

۲- اجرای بیش از ۷۰۰ دوره آموزشی فنی.



حرفه‌ای غیررسمی در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در سراسر کشور.

۳- جذب حدود ۵۰۰ نفر دانش آموز، در سه رشته گاوداری صنعتی، پرورش صنعتی طیور و هنر قالبیافی در شاخه کاردانش و ارائه آموزشهای مهارتی آنان، براساس استانداردهای مورد توافق جهاد و آموزش و پرورش.

۴- ارائه آموزشهای فنی، در ۹ واحد دبیرستانهای دامپروری به ۱۴۰۰ نفر از دانش آموزان رشته امور دامی.

۵- برنامه‌ریزی لازم به منظور اداره بیش از ۱۳۵۰ پایگاه ترویجی (کتابخانه روستایی)، ۲۴۲ خانه ترویج ۸۸ مرکز آموزشی و ۹ واحد دبیرستانهای دامپروری، در قالب شبکه آموزشی - ترویجی.

۶- سازماندهی ۵۲۶۳ مروج روستایی و ۲۵۰۰ نفر آموزشگر و مربی.

■ اهمیت و جایگاه آموزش تولیدکنندگان و بهره‌برداران

همان گونه که در فصلهای گذشته مطرح گردید، یکی از وظایف اصلی و محوری جهاد طراحی برنامه‌ریزی و اجرای فعالیتهای گسترده آموزشی برای تولیدکنندگان و بهره‌برداران مرتبط با مأموریهایی که به عهده این نهاد گذاشته شده است می‌باشد. آموزش‌های مربوط به این بخش به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

دسته اول: آموزشهای کوتاه مدت ترویجی، که دارای ویژگیهایی همچون بازبودن سیستم آموزشی، انعطاف پذیری در زمان و مکان آموزش، تنوع مخاطبین، عدم ارائه مدرک بعد از آموزش به یادگیرندگان و ... می‌باشند. این آموزشها تنها به شاغلین در بخش ارائه می‌شود و هدف آن بیشتر، تغییر بینش و دانش آنان می‌باشد.

دسته دوم: آموزشهای فنی - حرفه‌ای که خود نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - آموزشهای فنی - حرفه‌ای کوتاه مدت (غیررسمی)

که در این زمینه جزف و مشاغل تولیدی بهره‌برداران، برنامه‌ریزی شده و عمدتاً با هدف

به‌آموزی و افزایش مهارت و توانایی آنان طراحی در نتیجه موجب ارتقاء کارآیی تولیدکنندگان شده، به عبارتی دیگر، بهره‌وری در بخش را دنبال می‌کند. این نوع آموزش معمولاً از مخاطبین مشخصی که با بخش در ارتباط هستند برخوردار بوده، پس از پایان آموزش و کسب موفقیت یادگیرندگان، مدرکی دال برگذراندن این دوره به آنان اعطاء خواهد شد. لازم به ذکر است که این نوع آموزشها ضمن کوتاه مدت بودن آن، از برنامه خاص آموزشی برخوردار بوده، در زمان و مکان خاصی انجام می‌پذیرد که در طی آن بزرگسالان شاغل در بخش براساس نیاز که به نوع تولید و تخصص آنان مربوط می‌باشد. در دوره‌های آموزشی خاصی شرکت می‌کنند، از سوی دیگر بعضی از این نوع آموزشها جنبه نوآموزی داشته، در پی ایجاد شغل و حرفه در بخش می‌باشد به طور کلی هدف ایجاد مهارت و دانش فنی در نیروها را، تعقیب می‌نماید.

ب: آموزشهای فنی - حرفه‌ای بلند مدت (رسمی): این آموزشها اختصاصاً جنبه نوآموزی داشته و با هدف تربیت تولیدکنندگان آینده بخش، و پرورش رهبران تولید آینده، انجام می‌شود، این نوع آموزشها طولانی مدت و مقطع دار است و از سوی دیگر سیستم آموزشی آن بسته، دارای زمان و مکان و طرح درس مشخص می‌باشد و بر اساس نیاز بخش طراحی می‌گردد.

در یک بررسی کلی، از انواع آموزشهایی که در بخش ارائه می‌شود، مشاهده می‌گردد که این آموزشها، همچون اجزای یک سیستم با هم ارتباط تنگاتنگی دارند و غیرقابل تفکیک هستند، برنامه‌ریزی و اجرای آن باید در یک جا متمرکز باشد. با ارائه آموزشهای ترویجی که جنبه عمومی دارند و اقشار مختلف بهره‌بردار را تحت پوشش قرار می‌دهد. یا با سایر عملیات و فعالیتهای ترویجی، صاحبان حرف مختلف روستایی مستعد و علاقه‌مند ترغیب می‌شوند که به منظور ایجاد و یا افزایش مهارت و دانش فنی خود و یا افزایش توانایی فنی و کارآیی خود و در نهایت افزایش بهره‌وری تولید خود، تحت پوشش آموزشهای فنی - حرفه‌ای غیررسمی قرار گرفته، نیاز آموزشی خود را مرتفع نمایند. واضح است که آموزشهای ترویجی و فنی - حرفه‌ای غیررسمی،

● ارائه آموزشهای متناسب و مورد نیاز تولیدکنندگان و بهره‌برداران بخشهای مختلف تولیدی، بویژه در بخش کشاورزی و برنامه‌ریزی جامع به منظور انتقال درست و به موقع سرمایه‌های تولیدی به نیروهای تربیت شده ماهر جوان، تأثیر فوق العاده‌ای در بهبود کیفیت زندگی مردم خواهد داشت.

● مشاهده می‌شود که بین آموزشهای ترویجی و فنی - حرفه‌ای مستمر در بخش، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که چنانچه برنامه‌ریزی آموزشی و اجرای آنها جدا از هم باشد، امکان تحقق اهداف جهاد با تردید روبرو خواهد شد.

● مراکز آموزشی مربوط به آموزشهای فنی - حرفه‌ای جهاد، به عنوان پایگاههای ثابت در نزدیکی عرصه تولید، تیمهای سیار آموزشی را نیز به روستاهای تحت پوشش اعزام می‌کنند تا براساس نیاز یادگیرندگان، دوره‌های آموزشی مورد نظر را در روستا و یا در مناطق عشایری برگزار نمایند.

● تبیین دقیق جایگاه ترویج و آموزش، اولین گام حرکت به سوی توسعه‌ای همه جانبه است

موجب تقویت بخش در وضعیت فعلی خواهد بود. اما برای تضمین آینده بخش و اقدامی اساسی، آموزشها فنی - حرفه‌ای رسمی طراحی می‌شود که مخاطبین این آموزشها، دو دسته هستند: الف) آن دسته از بزرگسالانی که از سنین مناسبی برخوردار بوده، مدرک تحصیلی سیکل را دارا هستند. ب) فرزندان تولیدکنندگان و بهره‌برداران و یا روستاییان که مشغول تحصیل هستند و می‌خواهند دوره متوسطه خود را آغاز نمایند. فارغ التحصیلان این نوع آموزشها که عده‌ای با مدرک دیپلم وعده‌ای با مدرک فوق دیپلم خواهند بود، به ۴ دسته کلی ذیل تقسیم می‌شوند:

گروه اول: هدایت فعالیتهای آموزشی و ترویجی بخش را تحت عناوین مروج دام، منابع طبیعی و ... یا مسؤول خانه ترویج برعهده می‌گیرند.

گروه دوم: با وارد شدن در تولید و ایجاد هسته‌های سازندگی و تشکیل انجمن‌های مردمی و سایر تشکلهای اقتصادی و فعالیتهای مشارکتی، به ایجاد اشتغال در بخش کمک می‌کنند.

دسته سوم: مدیریت واحدهای تولیدی در بخش را عهده‌دار می‌شوند، به سبب برخوردارگی از دانش تئوری و عملی بالاتر و مجهز بودن به علوم و فنون امروزی، موجب بهبود روشهای تولیدی گشته و اقتصادی‌تر شدن تولید را یاری می‌دهند.

گروه چهارم: که نخبگان این گروه هستند، وارد مرکز آموزش عالی شده، تحصیلات عالی خود را دنبال می‌کنند تا پس از اتمام تحصیلات خود ضمن تأمین کردن نیروهای متخصص بخش، در سیستم سازمانی و بخش خصوصی، مجدداً در قالب آموزشگر و مربی در خدمت چرخه آموزشهای ترویجی و فنی - حرفه‌ای جهاد قرار گیرند. از سوی دیگر با توجه به سرعت پیشرفت تکنولوژی و عصر انفجار اطلاعات در جهان، تمامی شرکت کنندگان در آموزشهای رسمی و غیررسمی به منظور بهینه بودن اطلاعات خود نیاز به بازآموزی‌های متوالی داشته، سپس دومرتبه تحت پوشش ترویج قرار می‌گیرند به طور مستمر با جدیدترین تکنیکهای ترویجی، تولید و تشکلهای گروهی آشنا شوند.

مشاهده می‌شود که بین آموزشهای ترویجی و فنی - حرفه‌ای مستمر در بخش، ارتباط تنگاتنگی

وجود دارد که چنانچه برنامه‌ریزی آموزشی و اجرای آنها جدا از هم باشد، امکان تحقق اهداف جهاد با تردید روبرو خواهد شد.

■ ویژگیهای اختصاصی عوامل مختلف آموزشهای ترویجی و فنی - حرفه‌ای در جهادسازندگی

الف - ویژگیهای یادگیرندگان:

۱ - یادگیرندگان، آموزشهای مورد نیاز بخشهای مرتبط با مأموریتهای جهاد را صرفاً روستاییان، عشایر و تولیدکنندگان و بهره‌برداران مرتبط و فرزندان آنان تشکیل می‌دهند.

۲ - هدف یادگیرندگان، آموزشهای مرتبط با بخشهای مختلف افزایش و ایجاد مهارت و توانایی فنی خود و در نهایت بهبود وضعیت تولید در بخش می‌باشد.

۳ - یادگیرندگان آموزشهای بخش، براساس مشاغل تعریف شده و نیاز تخصصی در عرصه تولید به آموزش روی می‌آورند، بنابراین نوع آموزشها، از تنوع بسیار بالایی برخوردار است و به جهت برنامه‌ریزی نیز تفاوت اصولی با سایر آموزشها دارد.

۴ - فارغ التحصیلان آموزشهای فنی - حرفه‌ای جهاد، همانگونه که قبلاً ذکر گردید، مستقیماً با تولید سروکار دارند.

۵ - یادگیرندگان دوره‌های آموزشی جهاد، با عنایت به بند ۱، از سطح تحصیلات، سن، شرایط اجتماعی، اقتصادی و میزان و نوع تولید متفاوتی برخوردارند، پس اجرای برنامه‌های آموزشی در جهاد از ظرافت خاصی برخوردار است.

ب: ویژگیهای مربیان و آموزشگران:

۱ - آموزشگران و مربیان آموزشهای مربوط به بخش در جهاد، از میان نیروهای متخصص مشغول کار در بخش انتخاب می‌شوند.

۲ - آموزشگران و مربیان این نوع آموزشها، در شبکه ترویجی نیز فعالیت می‌کنند. بنابراین ضمن تدریس در کلاسهای آموزشی، بعنوان کارشناس پاسخگوی تولیدکنندگان در خانه‌های ترویج بوده، آنان را در مراحل مختلف تولید یاری می‌دهند.

۳ - از آنجا که آموزشگران و مربیان، از یکسو با

بخشهای اجرایی همکاری دارند و از سوی دیگر، در شبکه ترویج ایفای نقش می‌نمایند، با روستا، روستایی و نیاز واقعی آنان کاملاً آشنا می‌باشند، پس این برنامه‌ریزان اجرایی در بخش و روستا و عرصه تولید حرکت مهمی را به اجرا درمی‌آورند.

۴ - آموزشگران و مربیان مربوط به آموزشهای مورد نیاز بخش، باید بتوانند جوابگوی یادگیرندگان دارای سن: تحصیلات، وضعیت جسمانی، اجتماعی و فردی و ... متفاوت باشند. بنابراین تسلط آنان به مهارتهای فنی مختلف الزامی است.

۵ - انتخاب آموزشگران و مربیان مربوط به آموزش در بخش، از انعطاف پذیری ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین درکنار آموزشگران و مربیان با تحصیلات عالی، هنرمندان و اساتید باتجربه بالا ولی فاقد مدارک تحصیلی عالی، به آسانی بکار گرفته می‌شوند، به عبارتی، آموزشها در بخش این امکان را برای جهاد بوجود آورده است تا کلیه کسانی که در عرصه تولید از قدمت بالاتری برخوردارند یا در اجرای سیاستهای بخش نقش دارند را، سازماندهی و بهره‌برداری نماید.

۶ - آموزشگران برخی رشته‌ای آموزشی بخش، به دلیل ارتباط مستمر با یادگیرندگان و آشنایی با فرهنگ آنان و ارتباط عاطفی بوجود آمده در بین آنان، مورد اعتماد مردم بوده، این اعتماد موجب موفقیت بسیار خوب آنان در آموزش و یاددهی می‌شود.

ج: ویژگیهای مکان آموزش

۱ - امکانات و فضاهای آموزشی مربوط به بخش، متناسب با محتوای آموزشی دوره‌ها طراحی شده، سعی می‌شود که با فرهنگ یادگیرندگان این نوع آموزشها، سازگاری داشته باشند و جذابیت لازم را ایجاد نمایند.

۲ - از آنجا که بیش از ۵۰ درصد دروس مربوط به دوره‌های آموزش فنی - حرفه‌ای رسمی و غیررسمی، بصورت عملیاتی در کارگاههای ویژه برای این منظور و یا در کنار تولید خانوادگی صورت می‌پذیرد و در صورت لزوم، توأم بودن دروس تئوری و عملی به منظور بهینه سازی آموزشها با شرایط منطقه‌ای تولید است. به همین منظور باید مراکز آموزشی مربوط به آموزشهای بخش در نزدیکی کارگاههای تولیدی،

که شامل دروس تئوری و عملی مناسب با هر دوره آموزشی می‌باشد.

۳- برای اجرای بهینه این نوع آموزشها، روشهای مختلفی برای آموزش بکار گرفته می‌شود که مهمترین معیارها و شاخص‌های مؤثر وسایل فرهنگی، اجتماعی، ویژگیهای بزرگسالان و جوانان و ویژگی‌های زبان و معیارهای اجرایی و ... می‌باشند. بنابراین در بعضی از موارد، روشهای انفرادی و گاهی روشهای گروهی و انبوهی و در بعضی موارد فقط آموزش کلاسیک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴- دوره‌های آموزشی مربوط به بخش، از نظر زمانی کاملاً انعطاف پذیر بوده، با توجه به شرایط یادگیرندگان می‌تواند صبح، عصر یا شب و بخصوص در ایام فراغت آنان تشکیل گردد، همچنین مدت آموزش از تنوع زیادی برخوردار است که از جلسات توجیهی ۲ ساعته تا دوره‌های فنی - حرفه‌ای بلندمدت پنج ساله را دربرمی‌گیرد.

۵- درونداد دوره‌های آموزشی مربوط به بخش شامل کلیه اقدار تولیدکننده و در سنین مختلف می‌باشد (زن - مرد - جوانان و بزرگسالان) و برونداد این نوع آموزشها به عنوان نیروی تربیت شده در بخش فعال می‌شوند.

منابع و مآخذ:

- ۱- مایکل تودارو - دکتر غلامعلی فرجادی، توسعه اقتصادی در جهان سوم (جلد اول) - ۱۳۶۴ - سازمان برنامه و بودجه مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- ۲- میرفرخانی - محمدکیهان، در اهمیت آموزش نیروی انسانی، نشریه هماهنگ اسفند ماه ۱۳۶۴ - نشریه ۴۵ شورای عالی هماهنگی آموزش فنی - حرفه‌ای کشور.
- ۳- یونسکو ۱۹۷۳، ترجمه فارسی - پویا اقبال، آموزش و کارآموزی معلمان فنی و حرفه‌ای - دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش - انتشارات فاطمی ص ۱۵ - ۷
- ۴- یادگیری و زندگی، سازمان جهانی خواربار و کشاورزی مترجم غلامحسین صالح نسب. ناشر: معاونت امور اجتماعی (ترویج و مشارکت مردمی) وزارت جهادسازندگی بهار ۱۳۷۱
- ۵- شهبازی، اسماعیل، توسعه و ترویج روستایی انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۲.
- ۶- ماهنامه جهاد، سال سیزدهم، شماره ۱۶۱.



در خانه‌های ترویج و آموزشهای فنی - حرفه‌ای در مراکز آموزشی و آموزشهای بلندمدت مقطع دارد و مراکز آموزشی کار دانش و دبیرستانهای دامپروری، اجرا می‌گردند.

۶- مراکز متنوع آموزشی مربوط به آموزشهای مورد نیاز تولیدکنندگان و بهره‌برداران در شبکه ترویجی، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشته، هریک وظیفه خاصی را برعهده دارند، به طوری که هرچند پایگاه آموزشی (کتابخانه‌های روستایی)، با یک خانه ترویج و هر چند خانه ترویج، با یکی از مراکز آموزشی در ارتباطند.

د: ویژگیهای نوع آموزشهای قابل ارائه:

۱- برنامه‌ریزی آموزشی در آموزشهای مربوط به بخش، کاملاً انعطاف پذیر می‌باشد و با توجه به نیازهای منطقه‌ای و ویژگیهای مخاطبین طراحی شده است که در صورت نیاز تغییرات لازم در آنها داده می‌شود. به عنوان مثال برنامه ریزی آموزشی برای صیادان جنوب یا برنامه‌ریزی آموزشی در شمال کشور، به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و نیازهای منطقه‌ای، متفاوت خواهد بود.

۲- محتوای آموزشی در این نوع آموزشها براساس نیاز تولید در مناطق مختلف طراحی می‌شود؛

ایستگاههای تحقیقاتی و تولید خانوادگی ایجاد شوند تا بهترین و مؤثرترین بهره‌برداری از آنها بشود.

۳- مراکز آموزشی مربوط به آموزشهای فنی - حرفه‌ای جهاد، به عنوان پایگاههای ثابت در نزدیکی عرصه تولید، تیمهای سیار آموزشی را نیز به روستاهای تحت پوشش اعزام می‌کنند تا براساس نیاز یادگیرندگان، دوره‌های آموزشی مورد نظر را در روستا و یا در مناطق عشایری برگزار نمایند. ضمن آنکه خود پایگاههای ثابت، محل مناسبی برای مراجعه روستائیان و عشایر و حل مشکلات آموزشی و ترویجی آنان می‌باشد.

۴- با توجه به نیاز بسیار بالای تولیدکنندگان و روستائیان به آموزشهای مختلف و عدم تطابق ظرفیت مراکز آموزشی با آن تمامی امکان بخش و روستا از جمله مدارس، مساجد ایستگاههای تحقیقاتی، مراکز آموزش فنی - حرفه‌ای خارج از مجموعه جهاد، کارگاههای تولیدی و گاهی اوقات منازل روستائیان و با چادر عشایر، برای این حرکت بکار گرفته می‌شود و به عبارتی هر یک از موارد فوق نیز نقش مراکز آموزشی را ایفا می‌نمایند.

۵- مراکز متنوع آموزشی مربوط به بخش، براساس نیاز و با توجه به ماهیت آموزشها ایجاد می‌شوند، به طوری که آموزشهای ترویجی کوتاه مدت،